



معرفی کتاب

درباره رمان تاثیرگذار «نازارین» که چاپ دومش پس از پانزده سال منتشر شد

تقدس سکولار

رمان‌های پرث گالدوس همچون نمایشنامه‌هایش، نشانگر جزئیاتی از واقعیت‌های اجتماعی زمانه‌اش هستند، اگرچه نمایشنامه‌هایش هیچ‌وقت با استقبال مواجه نشدند. گالدوس از مضامینی همچون فساد سیاسی و اخلاقی، و سواس خانواده‌های اسپانیایی به اصل ونسب کلاسیک، اشراقیت منطخ شده، در کنار جذابیت‌های پیچیدگی رفتار انسانی سود می‌جوید. در آثارش انواع جهان وطنی، چهره‌های روستایی، کارمندان، مقامات خرده پا، اغلب و لقب‌ها، دهقانان، فقرا و اغلب گروه‌های دیگر اسپانیایی ظاهر می‌شوند و هر کدام اثر گالدوس را لایه‌ای تازه می‌بخشند.

نازارین، رمانی درباره تقدس سکولار است. اثری به قلم بنیتو پیر گالدوس که چاپ نخستش در دهه ی هفتاد به فرانسوی و با ترجمه‌ی کاوه میرعباسی توسط نشر مرکز منتشر شد و چاپ دومش پس از پانزده سال در ۸۰۰ نسخه در دهه‌ی نود به پیشخوان کتابفروشی‌ها آمد. کتاب پر اهمیت گالدوس باعث شد لوئیس بونول از آن قلمی بسازد که تارکوفسکی آن را یکی از برترین آثار بونول می‌داند. اما نازارین رمان، با جزئیات‌پردازی خاص گالدوس به‌گمانم از فیلم آن جذاب‌تر است. نازارین، داستان یک کشیش کاتولیک است، عاشق و پاریرسان فقرا، که به اندازا، یک کارگر جنسی که مرتکب قتل همکار خود شده، در اتاقش پنهان می‌دهد، و از پس این پناه مصائبی برایش آغاز می‌شود که چالشی برای ایمان و باورهایش و قواعد کلیسای مرکزی خواهد شد. نازارین نمونه‌ی امروزیی از مسیح‌گشتی در تلاش برای ایجاد جامعه‌ای جایگزین مبتنی بر عدم مقاومت در برابر شر، او چیزی نمی‌خواهد، تنها صبر و انفعال را وعظه می‌کند. رمان پا را از ادبیات داستانی فراتر نهد، به‌گمانم بخشی جدی است درباره‌ی ریشه‌های مسیحیت، کوشش در روانشناسی غریب‌طبیعی و نقد ماتریالیسم بورژوازی که هم‌شان با شخصیت نازارین با آرمان‌های دون کیشتو وار، مقدس، مرمرز، تحریک‌کننده، میسر شد است.

کتاب کلاسیک مدرن گالدوس، یک بحث جدی درباره‌ی ریشه‌های اصول مسیحیت است، و همچنین، نقد ماتریالیسم بورژوازی، که رسوایی ایمان را در ریدیکال‌ترین شکل نشان می‌دهد. موازی بودن زندگی مسیح و بدبختی‌های نازارین برای نجات دیگری با شعاری تکان‌دهنده که هیچ چیز متعلق به کسی نیست و همه چیز متعلق به اولین کسی است که به آن نیاز دارد، شامیلی از آرمان انقلابی اثر او نشان می‌دهد. گالدوس با نازارین پرسشی آشوبنده را مطرح کرده است، آیا انسان بدون سوال از اراده‌ی الهی درباره‌ی چرایی محرومیت خود، تحمل پذیرش رنج یا محرومیت را خواهد داشت؟

هنرمندان

محمد رضا شجریان به خانه بازگشت

حاضر است.» گفتنی است، محمدرضا شجریان که چند سالی است، با بیماری دست و پنجه نرم می‌کند، صبح روز شنبه، ۲۵ مردادماه، به دلیل وخامت حالش در بیمارستان «مجم» بستری و در بخش مراقبت‌های ویژه منتقل بود. بیمارستان جم شنبه اول شهریور ماه با انتشار اطلاعیه شماره ۸ خود از انجام اقدامات لازم برای ترخیص استاد شجریان از مجموعه بیمارستان و انجام ادامه درمان در منزل خبر داده بود. به گزارش ایسنا، استاد آواز ایران شنبه، ۲۵ مرداد ماه به دلیل آنچه شوک عفونی خوانده شد، با انتقال به بیمارستان، در بخش‌ای سی یو بستری شده بود. گفتنی است محمدرضا شجریان سالهاست از بیماری سرطان رنج می‌برد و تاکنون چندین بار برای طی مراحل درمان به بیمارستان مراجعه کرده اند.



استاد آواز ایران روز گذشته - سوم شهریور ماه - از بیمارستان مرخص و به منزل منتقل شد. عصر روز گذشته بیمارستان جم با انتشار اطلاعیه‌ای در صفحه اینستاگرام خود با تأیید ترخیص محمدرضا شجریان، نوشت: «در راستای اطلاع‌رسانی به مردم هنردوست و هم‌میهنان عزیز به استحضار می‌رساند، شرایط عمومی، قلبی، ریوی و تنفسی ایشان پایدار است و بعد از اتمام دوره نیازمند بستری در بیمارستان جم به حال عمومی قابل قبول جهت ادامه درمان زیر نظر پزشکان معالج به منزل ترخیص شدند.» همین راستا، روز گذشته دکتر حسن عباسی یکی از پزشکان معالج استاد شجریان در صفحه شخصی‌اش، نوشت: «استاد از بیمارستان ترخیص شدند. ادامه درمان در خارج از بیمارستان خواهد بود. کادر پزشکی همیشه در خدمت ایشان

وقتی فرهنگ در رسانه ملی بی‌اهمیت می‌شود



سریال‌سازی در تلویزیون مانند ساختمان‌سازی‌ای است که به اسم «بسیاز بفروش» معروف شده است. به نظر من تنها چیزی که برای مدیران تلویزیون و کسانی که در این سازمان مشغول به کار هستند و برنامه‌سازی و سریال‌سازی می‌کنند، اهمیت دارد شغل‌شان است

در بخش قبل از دن محمدعلی نجفی اعلام کردیم که موضوع فرهنگ و هنر در رسانه ملی از کمترین اهمیت‌ها برخوردار است و همین موضوع سبب شده که برنامه‌های مرتبط به این دو موضوع (مانند سریال‌ها و گاها فیلم‌های سینمایی) از اقت محسوسی برخوردار شوند و انطور که باید و بساید است و در شان مخاطب فهمیم روبروی تلویزیون نشسته، به آن پرداخته نمی‌شود. بدیهی است وقتی چنین رویکردی بر صدا و سیما حاکم باشد، بسیاری از فاکتورها و المان‌هایی که رسانه ملی بر اساس آنها باید به تولید سریال‌ها و فیلم‌های مختلف مبادرت ورزد، ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهند و حتی بر روی کاغذ هم مهم به نظر نمی‌رسند. همین موضوع سبب می‌شود که این سازمان در ساخت و تولید آثار تصویری مرتبط با مسائل فرهنگی و هنری به قول معروف هیچ مت‌های به خشخاش نگذارد و هرکس برنامه‌ای تولید کند، بی‌توجه به محتوای آن اجازه تولید آن برنامه را به او داده و فقط به او یادآور شود که «مواظب خطوط قرمز باش. خطوط قرمز را رعایت کن، هرچه خواستی بساز. ما آن را روی آنتن می‌فرستیم. مخاطب هم مجبور است قبول کند اگر هم برنامه را دوست نداشت ما مرکز نظرسنجی داریم که در یک چشم بهم زدن آمار بالای ۸۵ درصدی بیرون می‌دهد که برنامه‌های ما گل و بلبل بوده و همه به تماشای آن مشغول بوده اند.» در چنین شرایطی شما اگر جای سریال ساز با برنامه ساز مورد نظر ما باشید به خودتان زحمت می‌دهید که برنامه با کیفیت درست کنید؟ یا به قول معروف شلنگ را داخل لویکشن می‌اندازید به برنامه‌ای که می‌خواهید روی آنتن رود و مردم آن را تماشا کنند، آب می‌پندید؟ این را این گزارش از زبان خودش مطرح نمی‌کند، بلکه از زبان کسی مطرح می‌کند که سالها در این حرفه فعالیت کرده و موسسید کرده این کار است. نجفی می‌گوید سریال‌سازی در تلویزیون هیچ در و پیکری ندارد و شبیه ساختمان‌سازی شده است. حتما شما از همه بهتر می‌دانید که یکی از ویژگیهای ساختمانهایی که امروزه در سطح شهرها ساخته می‌شوند، بساز بفروشی است، یعنی در کوتاه‌ترین زمان و با کمترین هزینه و البته کمترین کیفیت و امنیت ساختمان را می‌سازند و تحویل مشتری می‌دهند، به نظر شما آیا چنین ساختمان‌هایی قابل سکونت است؟ اگر هم باشد پولی که بابت آن داده شده ده برابر ارزشی است که آن ساختمان دارد، سریال‌های تلویزیونی هم همین گونه اند. منتشان به سرعت نوشته می‌شود، به سرعت ساخته می‌شوند و به سرعت نیز روی آنتن می‌روند. عجیب‌تر اینکه در آماری که توسط بخش نظرسنجی سازمان صدا و سیما منتشر می‌شود همه این سریال‌ها با درصد بالایی از بیننده مواجه می‌شوند. اما پرسش اینجاست که چرا در حالی‌که حتی خود رسانه ملی هم می‌داند که برنامه هایش از کیفیت بالایی برخوردار نیست باز هم «آرهایی را ارائه می‌کند که خیلی غلو شده به نظر می‌آیند؟ پاسخ این پرسش نیز در سخن نجفی نهفته است. او می‌گوید رسانه ملی بالاخره هرچقدر هم که به‌ فرهنگ و هنر اهمیت ندهد باید حداقلها را تحویل مردم بدهد، بنابراین به ساخت حداقل‌ها مبادرت می‌ورزد و اعلام می‌کند که حداکثرا را ساخته‌ایم و این مارها به به این دلیل منتشر می‌شوند که پایه‌های ماندگار شدن مدیران و مسئولان بخش‌های مختلف صدا و سیما در شغل‌هایی که در آن حضور دارند در مستحکم نگه می‌دارد و این ترجمه همان جمله‌ای است که نجفی بیان می‌کند. آنجا که می‌گوید: «تنها چیزی که برای مدیران تلویزیون و کسانی که در این سازمان مشغول به

کار هستند و برنامه‌سازی و سریال‌سازی می‌کنند، اهمیت دارد شغل‌شان است.»

- وجه سیاسی برنامه‌ها برای تلویزیون اهمیت دارد و تنها فقط مراقب هستند که اتفاقی نیفتد و یا کسی کاری نکند**

اما حال که بخش فرهنگ و هنر که باید مهمترین دغدغه مدیران و مسئولان صدا و سیما باشد در اولویت این رسانه قرار ندارد، پس چه چیزی جایش را گرفته؟ پاسخ این پرسش را محمد علی نجفی داده و می‌گوید وجه سیاسی برنامه‌ها برای تلویزیون از اهمیت بالاتری برخوردار است، شاید منظور او رعایت همان خطوط قرمزی است که پیشتر به آن اشاره کردیم. ما این کجایش ایراد دارد که یک برنامه خوب فرهنگی و هنری با رعایت خطوط قرمز ساخته شود؟ اگر قرار است برنامه‌ای ساخته شود که مهمترین المانش رعایت خطوط قرمز باشد چه بهتر که برنامه از نوع خویش ساخته شود نه متوسط و حتی سطح پایین. چرا که اینگونه هم به مخاطب احترام گذاشته‌ایم و هم برنامه‌های مفیدی برایش تولید کرده ایم، در این صورت دیگر مجبور به استفاده از آمارهایی که بخش نظرسنجی صدا و سیما در مورد برنامه هایش منتشر می‌کند هم نیستیم. چرا که از قدیم گفته اند: «مشک آن است که خود بپوید نه آنکه عطار بگوید» وقتی برنامه کیفی خوبی از یکی از شبکه‌های تلویزیون پخش شود و شبکه‌های دیگر هم به تبعیت از آن شبکه، برنامه با کیفیت و مطلوب بیننده روی آنتن بفرستند، اولاً رقابت سازنده و شمرترم بین شبکه‌های مختلف ایجاد می‌شود و دوما دیگر مجبور نیستیم آمار بدیم چرا که برنامه ما خودش آمار خودش را می‌دهد. اما گویا مسئولان رسانه ملی فقط به این موضوع فکر نمی‌کنند که برنامه‌هایی که ساخته می‌شود وجه سیاسی نداشته باشد، بلکه هنگامی که به برنامه ساز می‌گویند هرچه می‌خواهی بساز، این مفهوم را در ذهن متبادر می‌کنند که به حداقل‌ها قانعند و اصراری به کیفیت ندارند؛ مهم برای آنها عدم وجود وجه سیاسی است، بقیه‌اش دست خود سازنده سریال است که چه می‌سازد و چه نمی‌سازد. وقتی شرایط اینگونه می‌شود بدیهی است که هر عقل سلیمی با خود می‌گوید بخش فرهنگ و هنر در صدا و سیما کاملا تعطیل است، چرا که هیچ چیزی برای ارائه کردن به مخاطب ندارد. شاید این موضوع که رسانه ملی مدت‌هاست به بخش برنامه‌های تکراری رو آورده و پوشاندن همین موضوع تعطیل بودن فرهنگ و هنر در این سازمان باشد. چرا که تلویزیون پویا، تلویزیونی است که مدام تولید محتوا می‌کند و مدام آن را مقابل بیننده قرار می‌دهد تا بله‌های توسعه و پیشرفت در برنامه‌سازی را یکی پس از دیگری طی کند، موضوعی که با توجه به اظهارات محمدعلی نجفی در خصوص تعطیل بودن فرهنگ و هنر در سازمان صدا و سیما به نظر می‌رسد شامل حال این رسانه نشود.

- زمانی با یک دوربین ۱۶ میلیمتری و در آن دوران که جنگ وجود داشت کارهایی درخشان ساخته می‌شد چون دغدغه فرهنگ بود نتیجه‌اش هم سریال‌ها و فیلم‌هایی‌ست که مردم هنوز هم از تماشایشان لذت می‌برند و با گذشت دو یا سه دهه همچنان سر ذوق می‌آوردشان...**

اما آیا رویکرد رسانه ملی درباره ساخت و تولید برنامه‌های فرهنگی و هنری همیشه همینطور بوده؟ همیشه فرهنگ و هنر در این سازمان تعطیل بوده و فقط به خطوط قرمز توجه شده است؟ پاسخ منفی است، خودمان هم می‌دانیم، این را نجفی هم بیان می‌کند، اثری که سازندگان سریال‌های خیلی خوب تلویزیون در طول سالهای گذشته مقابل دوربین برده‌اند هم این موضوع را تصدیق می‌کنند، البته همیشه اینگونه نبوده، رسانه ملی در گذشته عملکرد بسیار خوبی داشته است، سریال‌های بی‌نظیری در این رسانه تولید و روی آنتن رفته، سریال‌هایی که مزه خوش آنها هنوز پس از سالها زیر دندان و زبان مخاطبان هست. «روزگاری روزگاری»، «هزارداستان» و «سربداران»، «پوعلی سینا»، «پوعلی سینا»، «دبلمی بر آسمان»، «سایه همسایه» و… تمام اینها در کارنامه درخشان صداوسیما در گذشته وجود دارند و نمی‌توان منکر وجودشان شد و کنماشان کرد. این سریال‌ها نشان می‌دهند که تلویزیون اگر بخواهد با اگر بگذارد، خیلی خوب بلد است به فرهنگ و هنر اهمیت بدهد و آن را در سרוحه‌ی کارهای عملیاتی خودش قرار دهد، چرا که در گذشته این کار را بارها انجام داده، آن هم با بالاترین کیفیت. بنابراین باز هم می‌تواند انجام دهد، فقط باید شرایطش مهیا باشد، اینکه این شرایط چگونه مهیا خواهد شد، را کسانی باید تعیین کنند که در رسانه ملی جزو تصمیم گیران اصلی هستند.

آگهی فقدان سند مالکیت

در اجرای دستور ذیل تقاضای بوراوه ۳۷۰۹ مورخ ۹۹/۲۵/۲۵ آقای فتح اله نرجبیر از این اداره تقاضای صدور سند المثنی نسبت به پلاک ثبتی ۸۲۵۱۶ فرعی از ۲۳۹۵ اصله ی بخش ۱۰ تهران را که سند مالکیت آن مشتمل بر ششدانگ عرصه و اعیان یک دستگاه آپارتمان به مساحت ۱۰۴/۸۸ مربع که مقدار ۲/۷۵ متر مربع آن باکن است قطعہ ۷ تفکیکی واقع در طبقه سوم تحت پلاک ۸۲۵۱۶ اصلی فرعی از ۳۳۹۵ مغروز از پلاک ۲۱۲۷۰ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۰ تهران بانضمام ششدانگ یک واحد پارکینگ به مساحت دوازده متر و پنجاه دسیمتر مربع قطعہ یک تفکیکی واقع در طبقه همکف و بانضمام یکباب انباری به مساحت پنج متر و پنجاه دسیمتر مربع قطعہ چهارم تفکیکی واقع در پشت بام در ذیل ثبت شماره ۱۹۰۲۶ صفحه ۱۰۰ دفتر ۱۲۶ املاک بنام نامبرده ثبت و سند مالکیت به شماره جلد و سپس به موجب سند رهنی به شماره های ۱۰۲۰۹ مورخ ۹۲/۱۱/۲۰ و ۱۳۰۰۳ مورخ ۱۳/۱۲/۲۰ دفترخانه ۹۴۴ تهران در رهن بانک مسکن قرار گرفته است لذا با توجه به اینکه سند مالکیت ششدانگ به علت اسباب کشی مفقود گردیده است که با توجه به اینکه سند مالکیت مورد ثبت مفقود گردیده دو برگ استشهادیه به شماره ۲۱۷۸۵ و ۲۱۷۸۶ مورخ ۹۹/۴/۱۳ دفترخانه ۹۴۴ تهران را نیز ارائه نموده است لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق می باشد و یا سند مالکیت نزد وی می باشد از تاریخ انتشار آگهی به مدت ۱۰ روز اعتراض خود را کتبا ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این منطقه تسلیم و رسید اخذ نماید در صورت عدم ارائه اعتراض یا اصل سند مالکیت یا سند خریداری اقدام جهت صدور سند المثنی وفق مقررات انجام خواهد شد. ضمنا یک فقره استعلام به شماره ۱۳۹۹/۴/۳۱-۵۴۷ دفترخانه ۲۲۰ تهران در پرونده موجود می باشد که بدلیل درخواست المثنی پاسخ داده نشده است ضمنا سابقه بازداشت مشاهده نگردیده ،
۱۳۶۰۹ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهر آرا- اصلانی

آگهی فقدان سند مالکیت

مشخصات ملک : طبق درخواست گواهی المثنی ش ۱۲۳۲۴۱-۰۵۴۰-۱۳۹۹۵۸۶ مورخ ۱۳۹۹/۵/۲۲ خانم اعظم ساسانی سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان به مساحت ۴۲ متر مربع به شماره ۸۴۸۲ فرعی از ۱۳۷ اصلی مغروز ومجزا شده ۷۷۷۵ فرعی از اصلی مذکور قطعہ ۱۰ واقع در بخش ۱۲ ناحیه ۰۲ حوزه ثبت ملک خاوران تهران مساحت ۲۴ متر مربع بانضمام انباری قطعہ ۱۰ به مساحت ۲/۴۵ متر مربع واقع در طبقه زیرزمین به حدود شمالا اول درب و دیواربست به راه پله مشاعی دوم دیواربست اشتراکی با آپارتمان مجاور شمالی دیواربست به نوزگیر مشاعی شرقا دیواربست به دیوار قطعہ ۱۸۹۳ جنوبا در دوقسمت که قسمت اول به صورت پخ است نرده و لبه بالکن و پنجره و دیواربست به فضای حیاط مشاعی غربیا دیواربست اشتراکی با آپارتمان مجاور جنوب غربی واقع در همین طبقه مشخصات منضمات ملک: انباری به مساحت ۲/۴۵ به حدود اربعه شمالا دیوار و درب است به محوطه راهرو مشاعی شرقا دیواربست مشترک به انباری ۱۱ جنوبا ؛ پنجره و دیواربست به حیاط مشاعی غربا دیواربست به انباری ۹ مشخصات مالکیت: مالک/اعظم/ ساسانی فرزند لیکن شماره شناسنامه ۱۶۸ تاریخ تولد ۱۳۴۸/۱۷/۱۲ صادره از گلپایگان دارای شماره ملی ۱۲۱۱۹۰۶۳۳۸۱ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ به عنوان مالک ششدانگ عرصه و اعیان عرصه و اعیان، موضوع سند مالکیت تعویضی به شماره چایی ۲۸۰۹۱۲ سری د سال ۹۴ با شماره دفتر الکترونیکی الکترونیکی ۳۳۳۴۲-۰۱۰۵۴۰-۱۳۹۹۵۰۳۰ ثبت گردیده است و مالک با ارائه دو برگ استشهادیه که به امضا شهود رسیده است و ذیل آن طی شماره ۷۲۷۹ مورخه ۱۳۹۹/۴/۳۰ رمز تصدیق ش ۴۲۳۵۲۳ م ۱۳۹۹/۵/۲۱ توسط دفتر اسناد رسمی شماره ۱۲۴۴ تهران گواهی امضا گردیده است مدعی است که اصل سند مالکیت به علت نامعلوم مفقود گردیده است و تقاضای صدور المثنی سند مالکیت ملک مذکور را نموده لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت و یا اختیار داشتن سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند اقدام نماید بدیهی است در این صورت پس از تصدیق صورت مجلس اصل سند مالکیت به ارائه کننده مسترد خواهد شد و صدور المثنی سند مالکیت منوط به ارائه دادنامه از مراجع ذیصلاح قضایی خواهد بود و پس از انقضا مدت مذکور و عدم هرگونه اعتراض این منطقه نسبت به صدور المثنی سند مالکیت اقدام خواهد نمود.
۱۳۶۰۶ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک خاوران - غضنفری

۱۳۶۱۱سرپرست اداره سوم اجرای اسناد رسمی تهران- فردوسی زاده نائینی